

راهبرد دفاعی ایران از منظر آیت‌الله خامنه‌ای

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۰۸/۱۸

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۱۰/۱۶

کیهان برزگر*

مسعود رضائی**

چکیده

این مقاله به بررسی شناخت ابعاد علمی و نظری تفکر راهبردی آیت‌الله خامنه‌ای از منظر مکتب رئالیسم پرداخته و سعی در پاسخ به این سؤال دارد که آیا مکتب رئالیسم از توانایی و ظرفیت لازم برای تبیین انگیزه‌ها، اهداف، تصمیم‌ها، رفتارها و رویکردهای رهبری در مقام فرماندهی کل قوای مسلح در جمهوری اسلامی ایران برخوردار است؟ نویسندگان معتقدند فرامین و اندیشه‌های دفاعی آیت‌الله خامنه‌ای غالباً مبتنی بر افزایش «امنیت نسبی» و نه «قدرت نسبی» است؛ که به شکلی واقع‌گرایانه بازتعریف و بر مبنای ملاحظات اخلاقی (اسلامی) صورت‌بندی شده است. بر این اساس، اهداف و راهبردهای نظامی آیت‌الله خامنه‌ای عموماً در راستای فعال‌سازی الگوهای معطوف به بازدارندگی فعال و مهار چالش‌های ناشی از بروز تحولات جدید در مناطق فوری امنیتی کشور است.

واژگان کلیدی: آیت‌الله خامنه‌ای، راهبرد دفاعی، امنیت ملی، رئالیسم، امنیت نسبی.

kbarzegar@hotmail.com

* دانشیار روابط بین‌الملل دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات (نویسنده مسئول)

msd.rezaei@yahoo.com

** دکتری روابط بین‌الملل دانشگاه آزاد اسلامی واحد اصفهان

فصلنامه مطالعات راهبردی ● سال نوزدهم ● شماره چهارم ● زمستان ۱۳۹۵ ● شماره مسلسل ۷۴

مقدمه

هر موضوعی که ارتباط مستقیمی با قلمرو امنیت ملی و سیاست خارجی کشور داشته باشد را می‌توان در عرصه سیاست‌گذاری راهبردی آیت‌الله خامنه‌ای به عنوان فرماندهی کل نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران و نیز تعیین‌کننده سیاست‌های کلی کشور در مقام رهبری (بر اساس اصل ۱۱۰ قانون اساسی) مورد سنجش و ارزیابی قرار داد. تبیین فرایندهای مربوط به سیاست‌گذاری حوزه‌های راهبردی نیز عموماً تابعی از دوران‌های تاریخی و تحولات جاری است، که صبغه منطقه‌ای و جهانی یافته‌اند. هفت موضوع کلیدی همچون جنگ ایران و عراق، پیامدهای واقعه یازدهم سپتامبر در شرق و غرب کشور، فعالیت‌های هسته‌ای ایران، بومی‌سازی تکنولوژی‌های دفاعی، حضور قدرت‌های فرامنطقه‌ای در خلیج فارس، خیزش‌های جهان عرب و نهایتاً کنش‌های مستقل و وابسته برخی بازیگران منطقه‌ای موضوعاتی هستند که در حوزه‌های راهبردی ایران جای دارند و هر کدام از آنها به بخشی از معادله قدرت و امنیت ایران در محیط منطقه‌ای و بین‌المللی شکل می‌دهد.

بر این اساس و به لحاظ نظری، ایده دفاع از سرزمین در کنار پرداخت هزینه حفظ ارزش‌های ایدئولوژیک، نحوه نگرش و پاسخ‌گویی به تهدیدات و همچنین فهم دقیق‌ترین امنیت ملی کشور تا به امروز، جز با شناخت ادراک ذهنی و تدقیق در اندیشه‌های راهبردی آیت‌الله خامنه‌ای امکان‌پذیر نیست. در جمهوری اسلامی ایران، دیدار نظامیان یعنی مجموعه نیروهای مسلح با آیت‌الله خامنه‌ای به عنوان «فرماندهی معظم کل قوا» مورد تأکید قرار می‌گیرد؛ یعنی زمانی که در سخنرانی‌های خود مباحثی را در حوزه نظامی، امنیتی و دفاعی مطرح می‌کنند، بیانات ایشان چه به صورت «صریح» و چه «ضمنی» بلافاصله به عنوان «دستورالعمل نظامی و راهبردی جدید یا تکمیلی» مبنای عمل همه شاخه‌های نظامی کشور و مراکز مرتبط با مسائل امنیتی و دفاعی قرار می‌گیرد. مطابق اصل ۱۱۰ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، رهبری، فرماندهی کل قوای مسلح، اعلان جنگ و صلح و همچنین بسیج نیروها را بر عهده دارد. پس از توافق ایران و گروه ۵+۱ بر سر برنامه جامع اقدام مشترک (برجام)^۱، در غرب و به

ویژه آمریکا دو دیدگاه متفاوت در خصوص سیاست‌های نظامی و امنیتی تهران مطرح شده است.

از یک سو، عده‌ای معتقدند «ایران ممکن است دکترین راهبردی خود را در تعامل با غرب آهسته تغییر دهد» (Milani, 2015) و از سوی دیگر، برخی بر این باورند که «راهبرد کلی ایران پس از توافق، همان دکترین تهاجمی و جنگ‌طلبانه پیشین در منطقه و جهان خواهد بود» (Fikenscher, 2015). به نظر می‌رسد فهم راهبرد امنیت ملی و نظامی ایران در غرب، به واسطه جهت‌دهی رسانه‌ها و گزارش‌های راهبردی اندیشکده‌ها و مراکز امنیتی آن‌ها، با ابهامات و اشتباهات متعددی مواجه است. سردرگمی نزد محافل رسمی نظامی و همچنین دانشگاهی، فارغ از عامدانه‌بودن بخشی از آن در آمریکا، عموماً ریشه در دو موضوع اساسی دارد: ۱. در جمهوری اسلامی ایران «سند راهبرد امنیت ملی» به‌طور رسمی و آشکارا منتشر نمی‌شود که بر اساس آن در خصوص نحوه و حوزه کنش، قلمرو تهدیدات و همچنین مخاطرات امنیتی کشور گمانه‌زنی درست صورت پذیرد؛ ۲. تا حدودی به شکاف اطلاعاتی و عدم شناخت صحیح این کشورها نسبت به ساختار تصمیم‌گیری در حوزه‌های راهبردی کشور -که تفکر رهبری نقش تعیین‌کننده‌ای در آن دارد- مرتبط است.

هدف این مقاله، بازشناسی مفهومی و مصداقی بیانات و مواضع رهبری در حوزه نظامی و دفاعی بر اساس برخی «الگوهای تاریخی» در پرتو درگیری‌ها و چالش‌های مستقیم یا غیرمستقیم ایران در منطقه است؛ که بر مبنای آن می‌توان تفکر راهبردی آیت‌الله خامنه‌ای و نحوه سیاست‌گذاری ایشان در مقابل تهدیدات را درک و مورد ارزیابی قرار داد.

الف. منطق نگرانی‌های امنیتی ایران

بر کسی پوشیده نیست که از نظر آیت‌الله خامنه‌ای، در کنار ایالات متحده، رژیم اسرائیل دیگر دشمن اصلی امنیت و ثبات ایران قلمداد می‌شود (بیانات در مراسم بیست‌وهفتمین سالگرد رحلت امام، خرداد ۱۳۹۵). نقش عربستان سعودی نیز در تجهیز و تأمین مالی گروه‌های به شدت ضدشیعه مانند القاعده، طالبان و داعش، نگرانی شدید فرماندهی کل قوا در جمهوری اسلامی ایران را برانگیخته است. مقامات در تهران می‌دانند که کشورشان با مرزهای آبی و

زمینی گسترده در قلب منطقه‌ای بحرانی قرار دارد که اطراف آن با چندین موقعیت مکانی برای استقرار نیروهای نظامی آمریکایی و هم‌پیمانان آن احاطه شده، که موضوع تهدیدزایی آن‌ها جدی است. برای نمونه، ۴۲۲ فرودگاه نظامی با باندهای پروازی به طول بیش از ۷۵۰۰ فوت در محدوده ۲۸۰۰ کیلومتری ایران قرار دارند. از میان این ۴۲۲ باند پرواز، ۳۳۱ مورد در خارج از تیررس موشک‌های بالستیک ایران قرار دارند (Heim, 2015: 39-40). در واقع، محیط اطراف ایران نه تنها میزبان تعداد زیادی پایگاه‌های نظامی کشورهای غربی است، بلکه غربی‌ها شرکای بسیار متنوعی نیز در این منطقه دارند.

ترکیه عضو قدیمی ناتو است؛ کشورهای حاشیه خلیج فارس از حمایت قاطع آمریکا، انگلستان و فرانسه بهره می‌برند و اسرائیل نیز با وجود برخورداری از تعهد امنیتی کشورهای غربی، اخیراً دفتر نمایندگی خود را در مقر پیمان ناتو در بروکسل افتتاح کرده؛ که این نتیجه زنجیره اقداماتی است که هدف آن، تحکیم همکاری میان ناتو و اسرائیل است که شامل انجام مانورهای نظامی مشترک و تبادل اطلاعات می‌شود (Opal-Rome, 2016). در مقابل، ایران به لحاظ راهبردی کشوری است که در هیچ ائتلاف دفاعی مهمی عضویت ندارد. در نتیجه، ایران به طور جدی خود را در محاصره انواع پایگاه‌های نظامی و در مقابل معمای پیچیده امنیتی می‌بیند. به همین دلیل، آیت‌الله خامنه‌ای دلیل خوبی برای تمرکز اظهارات راهبردی‌اش بر آمریکا، اسرائیل و عربستان به عنوان سه منبع خطر و یک هدف دارد.

از طرف دیگر، بر کسی پوشیده نیست که کشورهای همسایه ایران چگونه یکی پس از دیگری دچار بحران شده‌اند. برخی همچون عراق و افغانستان در منجلابی بزرگ گرفتارند که برون‌رفتی در آینده نزدیک برای آنها قابل تصور نیست. پاکستان دچار بدترین بی‌ثباتی داخلی شده است. کشورهای عرب همسایه ایران به رهبری عربستان وارد فاز جنگ سرد با ایران شده‌اند. مرتب صداهای انفجارهای تروریستی در ترکیه به گوش می‌رسد و تبعات کودتا در این کشور عدم قطعیت و بی‌ثباتی را به نمایش گذاشته است. استمرار چنین روندی، یعنی حجم وسیعی از بحران و آشوب، مرزهای ایران را فرا گرفته است. ظهور و گسترش جریان‌های تروریستی مخالف شیعه همچون داعش، القاعده، جبهه‌النصره (فتح‌الشام) و احرار الشام آتش فتنه‌ای در خاورمیانه را روشن کرده که عوارض وحشتناکی همچون بی‌ثباتی، جنگ،

ترور، خونریزی، فرقه‌گرایی و تقابل فارس و عرب را به نمایش گذاشته است. این روند با سیاست‌های جاری قدرت‌های جهانی و منطقه‌ای نیز مهارشدنی نیست و ایران ناگزیر به مقابله با این تهدیدات گام برداشته است.

ب. تفکر راهبردی آیت‌الله خامنه‌ای و نظریه رئالیسم

با توجه به اینکه سیاست‌های کلی و راهبردی نظام در قلمرو سیاست خارجی و دکترین نظامی و دفاعی کشور توسط رهبری تعیین و ابلاغ می‌شود؛ این امر حداقل به لحاظ نظری و علمی از آن جهت حائز اهمیت است که دریابیم اساساً کدام یک از نظریه‌های روابط بین‌الملل به تفکر راهبردی - دفاعی آیت‌الله خامنه‌ای در ایران نزدیک‌تر است؟ نگاه مسلط در ایالات متحده آمریکا و متحدان منطقه‌ای آن، انگیزه و دلیل اصلی تلاش جمهوری اسلامی ایران برای افزایش نقش خود در منطقه را افزایش «قدرت نسبی»^۱ در خاورمیانه قلمداد می‌کند؛ که ماهیتی «تهاجمی» داشته و اهداف و راهبردهای آن به صورت حداکثری، گسترش‌طلبی، فرصت‌طلبانه و عموماً ایدئولوژیک روایت شده و مورد ارزیابی قرار گرفته است (Treviño, 2013: 386-392). به نظر می‌رسد این نگاه چندان با واقعیت سازگار نیست و نیاز به بررسی و تأمل بیشتری دارد.

آیت‌الله خامنه‌ای معتقدند «ما از هیچ جنگی استقبال نمی‌کنیم، ما به هیچ جنگی مبادرت نمی‌کنیم و پیش‌دستی هم نمی‌کنیم» (بیانات در خطبه‌های نماز عید فطر، تیر ۱۳۹۴)، اما «در این اوضاع جنگل‌وار جهانی، اگر جمهوری اسلامی صرفاً به دنبال مذاکره و مبادله اقتصادی برود، در عین حال توان دفاعی نداشته باشد، آیا حتی دولت‌های کوچک نیز به خود اجازه تهدید ملت ایران را نخواهند داد؟ دشمنان مدام در حال تقویت توان نظامی و موشکی خود هستند. در این شرایط چطور می‌گوییم روزگار موشک گذشته است؟ روزگار، روزگار همه چیز است» (بیانات در دیدار با مداحان اهل بیت، فروردین ۱۳۹۵). از دیدگاه ایشان «امنیت، کاملاً عینی و واقعی است و با ذهنیات نمی‌شود آن را تأمین کرد» (بیانات در دیدار اعضای

1. Relative power

شورای تأمین استان‌ها، ۱۳۷۹). در نتیجه به باور آیت‌الله خامنه‌ای «امنیت، زیرساخت همه پیشرفت‌های یک ملت است. اگر امنیت نباشد، نه اقتصاد هست، نه فرهنگ هست، نه سعادت عمومی» (بیانات در دیدار فرماندهان و کارکنان نیروی دریایی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و خانواده‌های آنان، مهر ۱۳۹۴).

در واقع به اعتقاد ایشان «وقتی که ملتی مورد تهدید دشمن قرار دارد، وظیفه حاکمیت در درجه اول حفظ امنیت آن ملت است. این امنیت به انواع مختلفی حفظ می‌شود؛ یکی‌اش از طریق نظامی و تقویت نظامی است» (بیانات در دیدار فرماندهان و کارکنان نیروی هوایی و پدافند هوایی ارتش، بهمن ۱۳۹۴). این بیانات و مواضع آشکارا بیانگر آن است که رهبری در حوزه امنیت ملی و قلمرو راهبردی (فارغ از موضوع سیاست خارجی) رویکردی رئالیستی دارند. اما اکنون پرسش کلیدی این است که در اندیشه راهبردی و نظامی ایشان، این رئالیسم و کسب قدرت نظامی ماهیتی «تهاجمی» دارد یا «تدافعی»؟ و اصولاً در دفاع دانش‌بنیان امروز، ابعاد این تفکر و سنجش آن در مقیاس جهانی از چه جایگاهی برخوردار است و وجه اخلاقی آن در کجای بحث خود را متمایز می‌سازد؟ نظریه رئالیسم تهاجمی^۱ عنوان می‌کند «همه کشورها از میزانی از توانایی نظامی تهاجمی برخوردارند و هرگز نمی‌توانند از نیات کشورهای دیگر مطمئن باشند. چون برخلاف توانایی‌های نظامی، نیت کشورها که در اذهان تصمیم‌گیرندگان آن‌ها نهفته است را نمی‌توان به صورت تجربی مورد واکاوی و بررسی قرار داد (Mearsheimer, 2010: 30-31). از این منظر، سیاست بین‌الملل تلاشی در جهت افزایش «قدرت نسبی» بوده، و دولت‌ها تا زمانی که تبدیل به قدرت هژمون نشده‌اند، از این تلاش دست نمی‌کشند.

در مقابل، نظریه‌پردازان رئالیسم تدافعی^۲ دیدگاه متفاوتی ارائه داده‌اند. این دسته از اندیشمندان استدلال می‌کنند که کشورها به شدت به جایگاه خود در موازنه قوا اهمیت می‌دهند؛ یعنی بازیگران دولتی درصدد هستند تا به نوعی از رقبای بالقوه خود قدرتمندتر باشند، چون این برتری و مزیت قدرت، چشم‌انداز بقا و «امنیت نسبی» آنان را افزایش می‌دهد (Walt, 1987). از

1. Offensive Realism
2. Defensive Realism

این‌رو، کشورها تلاش و تقلا می‌کنند تا قدرت را به قیمت از دست‌دادن آن از سوی رقبا به دست آورند، ولی تأمین این هدف از راه جنگ و تهاجم عاقلانه و هوشمندانه نیست (Waltz, 1989: 47). بنابراین، هرچند کشورها در پی افزایش قدرت خود هستند، ولی مهم‌ترین هدف آن‌ها جلوگیری از افزایش قدرت دیگران و برهم‌خوردن موازنه قدرت به ضررشان است؛ یعنی «اولین دغدغه کشورها، پیشینه‌ساختن قدرت نیست، بلکه حفظ جایگاه‌شان در نظام بین‌الملل است» (Waltz, 1979: 126).

مشاهده رفتار منطقه‌ای ایران پس از حادثه یازدهم سپتامبر، یعنی ناامنی‌های حاصل از جنگ عراق و افغانستان و همچنین ظهور آشوب‌های ناشی از گروه‌های تروریستی مثل داعش و جبهه‌النصره، حاکی از آن است که در نگاه تهران، دغدغه امنیت اساسی‌ترین مسئله است. در واقع، ریشه‌های سیاست دفاعی ایران در درجه اول به ویژگی‌های طبیعی ساخت قدرت، سیاست، موقعیت ژئوپلیتیک و جغرافیای فرهنگی ایران برمی‌گردد که در شرایط وقوع تغییرات ژئوپلیتیک ناشی از تهدید مناطق فوری امنیتی کشور و سپس تهدیدهای ناشی از پیگیری برنامه هسته‌ای، بحران سوریه و عراق، ظهور گروه‌های سلفی-جهادی و همچنین بحران یمن امکان ظهور و بروز یافته‌اند. بنابراین فرض بر این است که ایران تنها در شرایطی که احساس کند تهدیدی علیه آنها وجود دارد، نسبت به آن واکنش نشان می‌دهد و این واکنش نیز اغلب در سطح ایجاد موازنه و بازداشتن تهدیدگر است و تنها در شرایطی که معمای امنیت خیلی جدی شود، واکنش‌های سخت‌تری از خود نشان خواهد داد. به عبارت دیگر، ایران زمانی اقدام به گسترش نفوذ و افزایش قدرت خود در منطقه نمود که در مرزهای شرقی و غربی خود، احساس ناامنی به‌طور فزاینده افزایش یافته بود (برزگر، ۱۳۸۸: ۱۲۵).

ورود جدی ایران به بحران سوریه نیز در همین راستا قابل ارزیابی است. به اعتقاد ایران، در بحران سوریه، بحث صرفاً اصلاح‌طلبی و یا سرنگونی نظام دیکتاتوری نیست؛ بلکه هدف تضعیف نقش ایران از طریق درهم‌کوبیدن سوریه است؛ چرا که برای ایران، سقوط اسد به معنای از دست دادن کل سوریه و انزوای حزب‌الله در همسایگی اسرائیل است.

بی‌شک ایران جدید در مقایسه با زمان شاه، بازیگری جدی‌تر و مستقل‌تر در منطقه محسوب می‌شود؛ اما این افزایش نفوذ و نقش‌آفرینی از طریق جنگ‌طلبی به دست نیامده است.

در تمامی بیانات و فرامین آیت‌الله خامنه‌ای در خصوص کسب قدرت نظامی، بلافاصله از ضرورت این توانمندی‌ها برای حفظ و ارتقاء امنیت کشور سخن به میان آمده است و نه کسب برتری نظامی برای نیل به منافع و اهداف حداکثری. برای نمونه، ایشان در سال ۱۳۸۷ در بیاناتی تأکید کردند که «نیروهای مسلح، دژ امنیت ملی هستند؛ اما وجود نیروهای مسلح و مطالبه تقویت نیروهای مسلح فی‌نفسه به معنای جنگ‌طلبی نیست» (بیانات در مراسم نظامی مشترک یگان‌های نیروهای مسلح استان فارس، اردیبهشت ۱۳۸۷). این موضوع حتی در گزارش پنتاگون نیز مورد تأیید قرار گرفته است!

ج. گزینه‌های راهبردی در تفکر آیت‌الله خامنه‌ای

کارگزاران سیاست راهبردی آمریکا، اسرائیل و همچنین عربستان سعودی بر این باورند که اگر ایران در فضای منطقه‌ای با نشانه‌هایی از افزایش تعارض روبرو شود، در آن شرایط زمینه «فرسایش قدرت منطقه‌ای ایران» به‌وجود خواهد آمد و سپس می‌توان زمینه تضعیف یا سرنگونی جمهوری اسلامی را فراهم کرد. امری که پس از ایران‌هراسی ناشی از مسئله هسته‌ای، مشخصاً از سال ۲۰۱۰ نیز هم‌زمان با اثرگذاری نیروهای منطقه‌ای و فرماندهی‌های بر انتخابات پارلمانی در عراق شکل جدی‌تری به خود گرفت و با جنگ داخلی سوریه و ظهور داعش و بحران یمن وارد مرحله تازه‌ای شد. بر این اساس، ایران در نبود هم‌پیمان و متحد قوی استراتژیک، با هدف پایین آوردن قدرت متعارف ایالات متحده و متحدان آن در منطقه، به سرمایه‌گذاری و صرف هزینه در توان نظامی و بالابردن توانایی عملیاتی خود پرداخته است. با این وجود، ایران کشوری غیرقابل پیش‌بینی، با رفتاری غیرمنطقی و خودسر نیست، بلکه صرفاً کشوری است که در غرب به درستی درک نشده است» (McInnis, 2015: iii-2). بنابراین، تصمیم‌گیری آیت‌الله خامنه‌ای صرف‌نظر از ماهیت آن، منوط به محیط استراتژیک ایران بوده که بر اصول و مفروضه‌های رئالیستی استوار است.

مفروضه‌هایی چون «موازنه قوا»^۱، «توازن تهدید»، «امنیت به هم پیوسته»^۲ و در نهایت، نظریه «دفاع - تهاجم»^۳ از جمله مواردی است که به آن‌ها اشاره می‌شود. در این میان، عوامل خارجی، به طور قابل توجهی می‌توانند بر این روند تأثیر بگذرانند و نتایج و ابعاد آن را بهتر یا بدتر کنند.

۱. توازن قوا

رنالیست‌ها معتقدند دولت‌ها برای بالا بردن شانس بقای‌شان علیه یک قدرت متمرکز، دست به توازن می‌زنند. همچنین، تهدید علیه بقای آن‌ها تنها از طریق کسب مقادیری از قدرت نظامی نسبت به دیگر دولت‌ها و یا ائتلافی از آن‌ها مرتفع می‌شود (Waltz, 1979: 73)؛ یعنی کشورها به شدت به جایگاه خود در موازنه قوا اهمیت می‌دهند. آنان در تلاش هستند تا به نوعی از رقابت بالقوه خود قدرتمندتر باشند؛ چون این برتری و مزیت قدرت، چشم‌انداز بقا و امنیت آنان را افزایش می‌دهد. آیت‌الله خامنه‌ای نیز تأمین این هدف را از طریق جنگ و تهاجم عاقلانه و هوشمندانه نمی‌داند؛ چرا که اساساً ایشان به مسئله توازن قوا در حوزه نظامی نگاهی انتقادی دارند. در واقع، با ذهنیتی تاریخی، این شکل از موازنه قوا را استراتژی آمریکایی قلمداد می‌کنند که با ساماندهی جنگ تحمیلی عراق علیه ایران، به نوعی قدرت دو کشور را تحلیل برد و لذا نتیجه آن برقراری نوعی «توازن منفی» شد. بر اساس همین طرز تفکر بود که آمریکا پس از جنگ اول خلیج فارس در سال ۱۹۹۱ و شکست صدام، از سرنگونی رژیم بعثی با هدف حفظ و تداوم توازن قدرت بین ایران و عراق خودداری کرد.

فارغ از آن، ایران به واسطه سال‌ها تحریم‌های تسلیحاتی و همچنین بودجه کم دفاعی، توان رقابت تسلیحاتی پیشرفته و ایجاد موازنه تکنولوژیک با کشورهای همسایه خود را ندارد. برای نمونه «ظرف ۶۵ سال گذشته، میانگین خرید تسلیحاتی سالانه ایران حدود ۷۱۰ میلیون دلار

۱. کنت والتز بر آن تأکید دارد

۲. استفن والت ابعاد آن را مورد توجه قرار داده است

۳. افرادی چون استفن وان‌اورا، رابرت جرویس، جک اسنایدر و چارلز گلاسر در این چارچوب استدلال‌های خود را بیان نموده‌اند.

بوده، که بسیار ناچیز و کمتر از بسیاری از کشورهای هم‌جوار و همسایه ایران است» (Kuang, 2016). در مقابل، بودجه نظامی عربستان سعودی پنج برابر ایران است. مؤسسه تحقیقات صلح بین‌المللی استکهلم «سیپری»^۱ در گزارش آوریل ۲۰۱۶ پیرامون هزینه‌های نظامی کشورهای جهان، بودجه نظامی عربستان سعودی را بالغ بر ۸۷ میلیارد دلار برآورد کرده، تا جایی که روسیه را پشت سر گذاشته و پس از چین در جایگاه سوم ایستاده است. در این میان، امارات متحده عربی با ۲۲/۸ و اسرائیل نیز با ۱۶/۱ میلیارد دلار در قیاس با بودجه نظامی ایران که ۱۰/۳ میلیارد دلار عنوان شده است (برخی گزارش‌ها رقم ۱۴ میلیارد دلار را ذکر کرده‌اند)؛ تفاوت قابل ملاحظه‌ای را نشان می‌دهند. بر اساس این گزارش، بودجه نظامی عربستان از سال ۲۰۰۶ تا ۲۰۱۵ افزایش ۹۷ درصدی داشته و بودجه دفاعی ایران در همین مدت زمانی با کاهش ۳۰ درصدی روبرو بوده است.^۲ از طرف دیگر، اسرائیل به عنوان مهم‌ترین دشمن ایران در منطقه، تنها بازیگر منطقه‌ای است که بمب اتم دارد.

در چنین شرایطی است که رهبر ایران بر این نکته تأکید دارند که «نیروهای مسلح باید با شتاب در پیشرفت‌ها و افزایش آمادگی‌های خود، چنان اقتداری ایجاد کنند که دشمنان حتی جرأت نکنند خیال تعرض را به ذهن راه دهند» (بیانات در دیدار فرماندهان ارتش جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۹۴). بر این اساس، جمهوری اسلامی ایران بر پایه قدرت خود و مجاورت جغرافیایی، نیات و تهدیدات سایر کشورها را برآورد و ارزیابی کرده و در برابر آن دست به موازنه‌سازی درون‌گرا (یعنی تقویت و افزایش توانایی‌های خود) و موازنه‌سازی برون‌گرا (در چارچوب اتحادها و ائتلاف‌های نظامی) می‌زند؛ بدین مفهوم که بر پایه موازنه درون‌گرا، جمهوری اسلامی با تکیه بر مقدرات ملی خود و به صورت یک‌جانبه درصدد افزایش قدرت و مقابله با تهدیدها برمی‌آید (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۱: ۴۸). این توازن قوا، همان چیزی است که رهبر ایران بارها به تأسی از یکی از مهم‌ترین آیات قرآن که به مسئله توازن قوا اشاره دارد^۳، آن را یکی از الزامات مهم نیروهای مسلح کشور قلمداد نموده‌اند. به باور ایشان «پیشرفت‌های

1. Stockholm International Peace Research Institute (SIPRI)

2. Trends in World Military Expenditure, 2015, SIPRI Fact Sheet, April 2016

۳. سوره مبارکه انفال، آیه ۶۰

کشور در زمینه‌های تسلیحاتی و در زمینه‌های آمادگی‌های رزمی باید همچنان طریق پیشرفت را ادامه بدهد. منطق صحیح عقلایی با پشتوانه آیه قرآن به ما می‌گوید این راه را باید دنبال بکنید» (بیانات در دیدار جمعی از فرماندهان و کارکنان ارتش جمهوری اسلامی ایران، فروردین ۱۳۹۴).

در شهریور ماه سال جاری نیز آیت‌الله خامنه‌ای با افزودن قید «تهاجم» به «دفاع»، برای نخستین بار در کنار افزایش توان دفاعی، بر افزایش توان تهاجمی نیروهای مسلح تأکید کردند. به اعتقاد ایشان «با توجه به موقعیت راهبردی جمهوری اسلامی ایران و همچنین حساسیت منطقه غرب آسیا و طمع دائمی قدرت‌های سلطه‌گر، برای تأمین امنیت ملت، کشور و آینده، باید علاوه بر توان دفاعی، توان تهاجمی را نیز افزایش داد» (بیانات در بازدید فرمانده کل قوا از نمایشگاه صنعت دفاعی، شهریور ۱۳۹۵). بر این اساس، برخی منابع داخلی بلافاصله منظور از کاربرد واژه «تهاجم» را با تفسیری موسع به دایره اقدامات آفندی و جهاد ابتدائی مرتبط دانستند؛ در حالی که به نظر می‌رسد دیدگاه ایشان ناظر به افزایش شدید ضریب بازدارندگی ایران متناسب و متوازن با افزایش تهدیدهاست و نه الزاماً عملیاتی کردن راهبرد دفاع پیشگیرانه تهاجمی. در واقع، مهم‌ترین هدف آیت‌الله خامنه‌ای، جلوگیری از افزایش قدرت دیگران و برهم‌خوردن موازنه قدرت به ضرر ایران است. این موضوع بدان معناست که اولین دغدغه رهبری، بیشینه‌ساختن قدرت نیست؛ بلکه حفظ جایگاه کشور در نظام منطقه‌ای و جهانی است. تأکید فرماندهی کل قوا در ایران بر «اهمیت ورود به حوزه‌های ناشناخته نظامی و ابتکارات جدید» (بیانات در دیدار فرماندهان ارتش جمهوری اسلامی ایران، مهر ۱۳۹۴) به دلیل سال‌ها تحریم‌های تسلیحاتی ایران و عدم امکان خرید تجهیزات نظامی پیشرفته، تأیید مجددی بر اهمیت بحث درون‌گرایی ایجاد توازن قدرت است. در نبود امکانات کافی دفاعی، رفتار ایران در پیگیری و ارتقاء برنامه موشکی خود به صورت بومی و تلاش برای برتری کیفی و کمی در این حوزه در راستای ایجاد توازن با هزینه‌های تسلیحاتی کشورهای حاشیه خلیج فارس و اسرائیل در این چارچوب قابل درک است (Rezaei, 2015).

در الگوی موازنه‌سازی برون‌گرا نیز جمهوری اسلامی ایران با اتخاذ راهبرد چندجانبه‌گرایی دست به ائتلاف‌سازی و اتحادسازی زده و به موازنه‌سازی می‌پردازد. سیاست نگاه به شرق

مبتنی بر نزدیکی به چین و روسیه و همچنین تلاش برای عضویت رسمی در سازمان همکاری شانگهای را می‌توان نمونه‌ای از موازنه‌سازی برون‌گرای ایران برای مقابله و خنثی‌سازی تهدیدات آمریکا و برخی از همسایگان تلقی و تحلیل کرد. برای نمونه، آیت‌الله خامنه‌ای در دیدار با «شی جی‌پینگ»^۱ رئیس‌جمهور چین که پس از توافق هسته‌ای در بهمن ماه ۱۳۹۴ به ایران سفر کرده بود، تأکید کردند: «ایران همواره به دنبال گسترش روابط با کشورهای مستقل و قابل اطمینان همچون چین بوده و بر همین اساس، توافق رؤسای جمهوری ایران و چین برای یک روابط استراتژیک ۲۵ ساله، کاملاً درست و حکمت‌آمیز است» (بیانات در دیدار رئیس‌جمهوری چین با رهبر انقلاب، بهمن ۱۳۹۴). همراهی نظامی روسیه با ایران در جنگ سوریه و اجازه استفاده بمب‌افکن‌های روس از پایگاه نظامی در همدان نیز جنبه دیگری از رویکرد جمهوری اسلامی برای مقابله با تهدیدات تعریف شده است. هرچند در مورد ابعاد و کیفیت این جنبه از موازنه‌گرایی در محافل دانشگاهی ایران تردیدها و انتقادهایی وجود دارد^۲، نزد مقامات نظامی و سیاسی کشور نزدیکی به چین و روسیه اهمیتی اساسی دارد.

بنابراین در چارچوب رئالیسم تدافعی، یکی از مهم‌ترین الگوهای رفتاری غالب سیاست و تفکر دفاعی آیت‌الله خامنه‌ای، موازنه‌سازی است.

۲. توازن تهدید

در کنار موازنه قدرت، تأکید برخی از نظریه‌پردازان رئالیسم تدافعی بر اهمیت «موازنه تهدید»^۳ است. تهدید در نگاه این افراد عبارت است از «ترکیبی از قدرت تهاجمی، توانمندی‌های نظامی، نزدیکی جغرافیایی و نیت تجاوزکارانه احتمالی». به عبارت دیگر، آنچه در روابط میان

1. Xi Jinping

۲. برای نمونه، بنگرید به: الهه کولایی (نمی‌توانیم با هیچ کشوری اتحاد استراتژیک داشته باشیم)، روزنامه شرق، شماره ۱۸۱۲، چهارشنبه ۳۰ مرداد ۱۳۹۲: ص ۱۴ یا رک به: جهانگیر کریمی، نگاهی به روابط تاریخی ایران و روسیه، روزنامه اعتماد، شنبه ۱۶ بهمن ۱۳۹۵، ص ۱۰.

3. Balance of Threat

دولت‌ها حائز اهمیت است، برداشت آن‌ها از یکدیگر به عنوان تهدید است و نه صرفاً میزان قدرت هر یک از آن‌ها» (Walt, 1987: 21-34, 262-285). در این چارچوب، کشورها نه در برابر قدرت، بلکه در برابر تهدید و خطر موازنه ایجاد می‌کنند. فارغ از آمریکا که پایگاه‌های نظامی آن در اطراف ایران واقع شده است و همواره ایران را تهدید می‌کند که «همه گزینه‌ها روی میز است»، اسرائیل نیز در نزدیکی جغرافیایی ایران هیچ‌گاه از تهدید آشکار ایران دریغ نکرده است.

اما بحث توازن تهدید به طور عملی زمانی به ادبیات راهبردی و نظامی ایران افزوده شد که آیت‌الله خامنه‌ای در دانشکده افسری امام علی در سال ۱۳۹۰ اعلام کردند: «ما اهل تجاوز به هیچ ملتی و هیچ کشوری نیستیم؛ ما هرگز اقدام به جنگ خونین نمی‌کنیم - ملت ایران این را به اثبات رسانده است - اما ما ملتی هستیم که هرگونه تجاوز را، بلکه هرگونه تهدید را، با استواری و با قدرت کامل پاسخ خواهیم داد. ما ملتی نیستیم که بنشینیم تماشا کنیم قدرت‌های پوشالی مادی ملت ایران را تهدید کنند. ما در مقابل تهدید، تهدید می‌کنیم. هر کسی فکر تجاوز به جمهوری اسلامی ایران در مخیله‌اش خطور کند، باید خود را آماده دریافت سیلی‌های محکم و مشت‌های پولادین کند. دوران بزن و دررو تمام شده است، این جور نیست که شما بگویید می‌زنیم و در می‌رویم؛ نخیر، پاهایتان گیر خواهد افتاد و ما دنبال می‌کنیم» (بیانات در دیدار از دانشگاه افسری امام علی، آبان ۱۳۹۰).

البته پیش از این نیز ایشان در سال ۱۳۸۵ موضوع توازن تهدید را مطرح کرده و در بیاناتی اشاره داشتند که «آمریکایی‌ها بدانند، اگر تعرضی به ایران اسلامی بکنند، ایران اسلامی به منافع آنها در هر نقطه عالم که امکان داشته باشد، لطمه وارد خواهد کرد» (بیانات در دیدار کارگران، اردیبهشت ۱۳۸۵). اما پس از اظهارات آذر ماه ۱۳۹۰ در دانشگاه افسری امام علی (ع) که اساساً این استراتژی به‌طور جدی در راهبرد دفاعی کشور در دستور کار قرار گرفت و مقامات ارشد نیروهای مسلح و به ویژه فرماندهان سپاه پاسداران، این بیانات را با عنوان «استراتژی نوین دفاعی» و «استراتژی تهدید در برابر تهدید» مورد توجه قرار دادند. بر همین اساس بود که جانشین فرماندهی کل سپاه در این ارتباط از بازنگری در دکترین دفاعی جمهوری اسلامی

و در پیش گرفتن استراتژی تهدید در مقابل تهدید خبر داد و گفت: «این بازنگری همه نیازهای ما را برای دفاع اطمینان‌بخش و بازدارندگی نیرومند پاسخ می‌دهد».^۱

در زمانی که تهدیدهای اسرائیل علیه ایران در اوج قرار داشت، آیت‌الله خامنه‌ای اعلام کردند که «ما در قضایای ضدیت با اسرائیل دخالت کردیم، نتیجه‌اش هم پیروزی جنگ ۳۳ روزه و ۲۲ روزه بود و بعد از این هم هر جا هر ملتی با رژیم صهیونیستی مبارزه کند ما پشت سرش هستیم و کمکش می‌کنیم» (بیانات در خطبه‌های نماز جمعه تهران، بهمن ۱۳۹۰). در واقع، این نخستین بار بود که اسرائیل در حوزه راهبردی با تبعات استراتژی توازن تهدید مواجه می‌شد و از لحاظ ادبیات استراتژیک، حاوی این پیام بود که ایران نه تنها در اثر تهدیدها منفعل نشده، بلکه خود را برای مقابله درازمدت و پُرشدت آماده کرده است. گام بعدی این استراتژی در فروردین ۱۳۹۲ در سخنرانی آیت‌الله خامنه‌ای در شهر مشهد برداشته شد و ایشان تأکید کردند که «اگر از رژیم صهیونیستی اشتباهی سر بزند، جمهوری اسلامی «تل‌آویو» و «حیفا» را با خاک یکسان خواهد کرد» (بیانات در حرم مطهر رضوی، فروردین ۱۳۹۲). تأکید صریح بر نابودی حیفا و تل‌آویو بدین مفهوم در راستای تهدید معتر متقابل قرار گرفت که ایران هرگونه حمله به تأسیسات هسته‌ای یا تجاوز به مرزهای سرزمینی کشور را مساوی با پایان موجودیت اسرائیل تعریف کرده است.

در اینجا درست است که آیت‌الله خامنه‌ای موجودیت اسرائیل را بر نمی‌تابد، اما شواهد تاریخی نشان می‌دهد که ایران در دنبال کردن اهداف خود کاملاً محتاطانه و دفاعی عمل می‌کند. شکی نیست که ایران از حزب‌الله و جنبش‌های فلسطینی حمایت می‌کند، اما هیچ‌گاه این گروه‌ها را به آغاز جنگی تمام عیار علیه اسرائیل ترغیب نکرده و عواقب اقدامات خود را در نظر گرفته است. «کنت پولاک»^۲ از مؤسسه بروکینگز در این راستا عنوان کرده است: «هیچ‌گاه شاهد این مسئله نبودیم که ایرانی‌ها حزب‌الله را به اقدامی غیرمنطقی و جنون‌آمیز ترغیب کنند. ایران می‌خواهد مقامات اسرائیل بدانند که این کشور توانایی پاسخ کوبنده و

۱. سردار سلامی، آغاز بازنگری در دکترین دفاعی ایران "تهدید در برابر تهدید" کلید خورد، (خبرگزاری مهر، ۷ آذر ۱۳۹۰)

تلافی جویانه را در برخورد با اسرائیلی‌ها دارد، اما هیچ‌گاه اجازه نمی‌دهند دشمنی‌ها به شرایطی خارج از کنترل بینجامد (Beinart, 2015).

استراتژی توازن تهدید در مقابل عربستان سعودی نیز صادق است. با تبدیل شدن عربستان از «رقیب جدی» به «تهدید وجودی» برای ایران در سال‌های اخیر، در اردیبهشت ۱۳۹۴ آیت‌الله خامنه‌ای فرمودند: «این را دشمنان ما با همراهی برخی از مسئولان نادان منطقه خلیج فارس بدانند که اگر شیطنتی صورت بگیرد و بخواهند جنگ‌های نیابتی را به مرزهای ایران بکشانند، واکنش جمهوری اسلامی بسیار سخت خواهد بود» (بیانات در دانشگاه افسری و تربیت پاسداری امام حسین، اردیبهشت ۱۳۹۴). موضوعی که آشکارا مخاطب اصلی آن عربستان سعودی بود. لذا به تعبیر ایشان «تهدید دشمن، یک چیز قهری و طبیعی است» (بیانات در دیدار زائرین و مجاورین حرم مطهر رضوی، فروردین ۱۳۸۴). نظر به همین افزایش فضای روانی و فیزیکی تهدید در اطراف مرزهای ایران، آیت‌الله خامنه‌ای همواره معتقد است چون «تهدید هست؛ تهدید، عمومی است. راه حل آن هم {از یک طرف} حفظ و افزایش عناصر قدرت در درون نظام است» (بیانات در دیدار کارگزاران نظام، اسفند ۱۳۸۰) و از طرف دیگر این تهدید باید با پشتوانه «توازن وحشت» قابلیت تغییر رفتار طرف مقابل را داشته باشد. در واقع به باور ایشان «وقتی یک ملت پنجه‌های فولادین و بازوهای قدرتمند خود را در لباس نیروهای مسلح به رخ دیگران کشید، توهم و خیال دست‌اندازی نسبت به آن کشور تضعیف می‌شود و دشمن حساب کار خود را می‌کند» (بیانات در دیدار نیروهای مسلح استان خراسان شمالی، مهر ۱۳۹۱).

بنابراین، فرماندهی کل قوا در ایران برای ترسیم مدل واکنش جمهوری اسلامی ایران در برابر هرگونه رفتار محتمل در حوزه نظامی، در کنار توازن قوا، مدل توازن تهدید را نیز در دستور کار نیروهای مسلح قرار داده‌اند؛ تا ایالات متحده و متحدان منطقه‌ای آن به روشنی نحوه عملکرد نظامی کشور را درک کرده و دچار اشتباه محاسباتی نشوند. در واقع، آیت‌الله خامنه‌ای با اعلام اینکه «ما در مقابل تهدید، تهدید می‌کنیم»، عملاً نوع رفتار ایران را منوط به رفتار طرف مقابل کرده‌اند که این خود آشکارا حاکی از غلبه رویکردی دفاعی در تفکر راهبردی جمهوری

اسلامی است. چنین رویه‌ای را نیز می‌توان استراتژی «ضربه متعارف دوم»^۱ قلمداد نمود که کاملاً بر ابعاد دفاعی و پاسخگویی به تهدیدات استوار است. بنابراین، استراتژی توازن تهدید یکی دیگر از گزینه‌های اصلی شکل‌دهنده اندیشه راهبردی آیت‌الله خامنه‌ای است که تاکنون نیز کارآمدی آن برای بازداشتن بازیگران و دولت‌های متخاصم علیه استقلال سیاسی و تمامیت ارضی ایران مؤثر واقع شده است.

۳. امنیت به هم پیوسته

به باور آیت‌الله خامنه‌ای، رفع تهدید امنیتی ایران مهم‌ترین اصل برای ایجاد ثبات و همکاری کشور در منطقه به شمار می‌رود. بسیاری از سیاست‌های جمهوری اسلامی در منطقه نیز به تهدیدات امنیتی آمریکا به خصوص در دوران نئومحافظه‌کاران برمی‌گردد، که البته کم‌وبیش در دوران اوباما نیز تداوم یافته است. بر این مبنای، رهیافت «امنیت به هم پیوسته»^۲ در راهبرد دفاعی جمهوری اسلامی ایران که بر اساس هرگونه ایجاد ناامنی برای ایران به معنای ناامنی برای منطقه خواهد بود، که واکنشی به تهدیدات مستمر نظامی آمریکا و هم‌پیمانان منطقه‌ای آن علیه جمهوری اسلامی ایران قلمداد می‌شود، در دیدگاه رهبری چنین نمود یافته است: «جمهوری اسلامی - هم برای خود، هم برای دیگران - امنیت را بزرگ‌ترین نعمت الهی می‌داند و برای حفظ امنیت خود می‌ایستد و دفاع می‌کند» (بیانات در دیدار جمعی از فرماندهان و کارکنان ارتش جمهوری اسلامی ایران، فروردین ۱۳۹۴). ایشان همچنین فرموده‌اند: «اگر منطقه خلیج فارس در امنیت باشد، ما که بیشترین ساحل را در خلیج فارس داریم، بیش از همه از امنیت این منطقه استفاده خواهیم کرد. اگر خلیج فارس محل حضور بیگانگان نباشد، ما که منافع زیادی در این خلیج پهناور و بزرگ داریم، بیش از دیگران در برقراری امنیت این منطقه سعی خواهیم داشت» (بیانات در دیدار فرماندهان و جمعی از پرسنل نیروی هوایی ارتش، بهمن ۱۳۷۵).

آیت‌الله خامنه‌ای همچنین در جای دیگری عنوان کرده‌اند: «ما همیشه امنیت را حفظ کرده‌ایم. امنیت برای خودمان، قهراً امنیت برای منطقه است. یعنی هم امنیت خودمان را خواسته‌ایم، هم

1. Second Conventional Strike
2. Interconnected security

امنیت منطقه را؛ چون تفکیک‌ناپذیر است. ناامنی ما هم، ناامنی منطقه است. آن روزی که ایران امنیت و آرامش داشته باشد، منطقه روی آرامش خواهد دید» (بیانات در دیدار جمعی از پاسداران، آذر ۱۳۷۵). خرد حاصل از راهبرد امنیت به هم پیوسته در این است که زندگی در محیط ناامن و قرارگرفتن در میان چندین زیرسیستم منطقه‌ای بی‌ثبات همچون آسیای جنوب غربی، آسیای مرکزی، دریای خزر و قفقاز جنوبی مبنای تحمیل هزینه‌های امنیتی زیادی برای ایران در طول چهار دههٔ اخیر بوده است. از این رو، تداوم و بازتولید بی‌ثباتی در جهت کاهش قدرت کشور و فرسایش نفوذ منطقه‌ای ایران، همگی به نوعی محیط و حلقه‌های فوری امنیتی کشور را ناامن می‌کنند. چنین محیط‌های ناامنی همواره زمینه‌های بالقوهٔ گسترش رقابت‌های منطقه‌ای، درگیری‌های نظامی، خلق بحران‌های جدید و به دنبال آن حضور نظامی قدرت‌های خارجی را در خود فراهم کرده است و بخش زیادی از انرژی سیاسی و امنیتی ایران مصروف چنین چالش‌های امنیتی در منطقه شده است.

در رویکرد دفاعی آیت‌الله خامنه‌ای، گره‌زدن منافع کشور به مسائل امنیتی منطقه، به نوعی از تهدیدهای نوظهور امنیتی و ریسک حماقت دشمنان در حمله به کشور می‌کاهد. در واقع، جمهوری اسلامی ایران با بکارگیری چنین راهبرد فعال و تدافعی سعی دارد به کشورهای منطقه هشدار دهد که هزینه‌های کمک به ایالات متحده و اسرائیل در صورت حمله نظامی به ایران، بروز ناامنی گسترده‌تر در سرتاسر منطقه خواهد بود. این استراتژی بدین مفهوم است که اگر تهدید امنیتی جمهوری اسلامی ایران رفع شود، سیاست منطقه‌ای ایران مبتنی بر ورود به بازی «برد-برد» خواهد بود.

۴. نظریه تهاجم - دفاع

نظریه «تهاجم - دفاع»^۱ در زمینه «کاهش احتمال جنگ» از طریق اتخاذ رویکردهای دفاعی و عدم بروز رفتارهای تهاجمی و نیز در راستای «کاهش احتمال شکست»، بالا بردن قابلیت‌های نظامی و مسلح کردن خود مطرح شده است. در این راستا، آیت‌الله خامنه‌ای در دانشگاه علوم دریایی امام خمینی نوشهر در آذر ۱۳۹۴ تأکید نمودند: «آمادگی نیروهای مسلح فقط به معنای

این نیست که در نبرد بر دشمن پیروز بشوید، بلکه معنای دیگر آن مصون نگه داشتن کشور از نیت بد دشمنان است. وقتی شما آماده باشید، دشمن جرأت نمی‌کند به طرف شما گامی از روی بدخواهی بردارد» (بیانات در دانشگاه علوم دریایی امام خمینی نوشهر، مهر ۱۳۹۴). به اعتقاد ایشان، این امر یعنی قدرت بازدارندگی و کاهش احتمال وقوع جنگ.

افزون بر آن، در الگوی اصلی نظریه تهاجم- دفاع، یکی از عوامل اصلی غلبه حالت تهاجم بر دفاع و برهم خوردن تعادل این دو، تصور پیروزی آسان در جنگ است (Snyder, 1996: 167-192). جمهوری اسلامی ایران پس از حمله آمریکا به عراق در سال ۲۰۰۳ با ورود و اثرگذاری فعال در آن، فرصت پیروزی آسان را از کشورهای غربی گرفت، تا زمینه امکان حمله به ایران بعد از عراق فراهم نگردد. حمایت ایران از لبنان در سال ۲۰۰۶ در پاسخ به حمله اسرائیل نیز در این چارچوب قابل تحلیل است. در این راستا، برخی از نظریه پردازان معتقدند وقتی غلبه آسان باشد، احتمال جنگ نیز بیشتر شده و توسعه طلبی فرصت طلبانه حتی توسط قدرت‌های متوسط نیز دنبال خواهد شد» (Taliaferro, 2000-2001: 126-181). برای نمونه، با ورود فعال و رویکرد تهاجمی ترکیه به تحولات سوریه و عراق در چارچوب دکترین نوعثمانی‌گرایی و کمک به ظهور و تقویت گروه تروریستی داعش و جبهه‌النصره، که با همکاری فعال عربستان سعودی و قطر همراه بود، به دلیل دامنه وسیع تهدیدزایی آن برای ایران، بلافاصله با واکنش جمهوری اسلامی مواجه شد و عراق، به عنوان کشور همسایه و سوریه در مقام متحد راهبردی کشور و بخشی از محور مقاومت که منطقه «خارج نزدیک»^۱ و دو حلقه امنیتی تهران نیز محسوب می‌شوند، مشمول استراتژی تهاجم- دفاع شدند.

منطق این رویکرد نیز به تعبیر آیت‌الله خامنه‌ای این است که «اگر مدافعان حرم مبارزه نمی‌کردند، این دشمن می‌آمد داخل کشور، اگر جلویش گرفته نمی‌شد، ما باید اینجا در استان‌های خودمان با این‌ها می‌جنگیدیم و جلوی این‌ها را می‌گرفتیم» (بیانات در دیدار جمعی از خانواده‌های شهدای مدافع حرم، بهمن ۱۳۹۴). این استراتژی نیز مبتنی بر «بازدارندگی شبکه‌ای» و «دفاع پیشرو» از طریق حضور فعال در تحرکات سیاسی- امنیتی منطقه‌ای است. به عبارتی، در شبکه‌سازی حوزه‌های استراتژیک، هدف اساسی، تأثیرگذاری بر حلقه‌های

مختلف امنیت کشور یا واحدها یا مناطق ژئوپلیتیکی یک کشور است؛ تا در صورت وقوع ناامنی، هزینه اقدام دشمنان افزایش یافته و در نقاطی فراتر از مرزهای رسمی کشور، تهدیدات کنترل یا خنثی گردند. در این راستا، جمهوری اسلامی برای حفظ تمامیت ارضی و سیاسی خود، قابلیت‌های دفاع غیرمتقارن و بازدارندگی‌اش را افزایش داده است؛ اما علی‌رغم داشتن چنین توانایی‌هایی، به دلیل نداشتن عمق استراتژیک مطلوب با خطرات امنیتی قابل توجهی روبرو است.

ایران با ۱۵ کشور مرز آبی و خاکی دارد که هیچ کدام متحد طبیعی آن نیستند و بسیاری به عنوان پایگاه اقدامات ضدایرانی آمریکا، اسرائیل و عربستان سعودی عمل می‌کنند. برای جبران این مشکل، تهران با گروه‌های مایل به ارتباط با جمهوری اسلامی در دیگر کشورها ارتباط صمیمانه‌ای برقرار کرده است. این گروه‌ها شامل شیعیان عراق، لبنان و بحرین، شیعیان و دشمنان طالبان در افغانستان، زیدی‌های یمن، برخی از کردهای عراق و طیفی از نیروهای فلسطینی می‌شوند. در حدود چهار دهه گذشته، این ارتباطات به تهران کمک کرده است که با اقدامات ضد خود مقابله کند و مانع استفاده از کشورهای همسایه به عنوان پایگاهی علیه استقلال و امنیت آن شود. افزون بر آن، بسیاری از گروه‌های متحد تهران بارها در انتخابات کشورهای خود پیروز شده‌اند؛ زیرا نماینده جمعیتی هستند که هم قابل چشم‌پوشی نیست و هم مطالبات به حقی دارند.

وقتی بحث شکل دادن به استراتژی نظامی ایران مطرح می‌شود، یک نکته مهم دیگر نیز در برداشت ذهنی آیت‌الله خامنه‌ای و مقامات عالی‌رتبه نظامی ایران وجود دارد که نمی‌توان آن را دست‌کم گرفت. آن نکته این است که آمریکا، ایران مستقل را برنمی‌تابد و هدف آن تغییر رژیم است. بر اساس این ذهنیت، نفوذ قوی ایران در کشورهای همسایه به ایران امکان می‌دهد تا از خود در برابر تجاوزات خارجی و حملات نظامی محافظت کند. البته این برداشت ذهنی در خلاً شکل نگرفته است. پس از تجربه جنگ ایران و عراق، ایران تلاش کرده است روابطی قوی در منطقه (محور مقاومت) ایجاد کند و اطمینان یابد چنین فاجعه‌ای هرگز دوباره اتفاق نمی‌افتد. شکی نیست که ایده دفاع تهاجمی تاکنون با وجود پیچیدگی‌ها و فشارهای منطقه‌ای و بین‌المللی علیه کشور موفق عمل کرده است. جمهوری اسلامی ایران غالباً خواهان امنیت

است؛ لذا زمانی حالت تهاجم به خود می‌گیرد که مورد تهدید واقع شود و تعادل بین حالت تهاجم-دفاع عامل اصلی تعادل امنیتی است.

این رویکرد که به نوعی برای توضیح سطح تهدید ناشی از معضل امنیتی ارائه شده است، در ادامه استراتژی توازن تهدید قرار گرفته و بر این پایه استوار است که توانایی دفاع یک کشور تنها در قدرت نسبی آن کشور خلاصه نمی‌شود، بلکه دو متغیر «توازن در تکنولوژی نظامی تهاجمی- تدافعی» و «تمایز میان وضعیت‌های تهاجمی- تدافعی» برای این منظور مورد بررسی قرار می‌گیرد (Lynn-Jones, 1995: 664-669). نظر به همین حساسیت است که فرماندهی کل قوا در ایران نسبت به افزایش شکاف تکنولوژی تسلیحاتی ایران با کشورهای همسایه نگرانی جدی دارند و مواضع شهرپور ماه ایشان در خصوص ورود استراتژی جدید «افزایش توان تهاجمی نیروهای مسلح» اساساً در پاسخ به همین ضرورت‌ها و نیازمندی‌های تکنولوژیک تسلیحاتی است.

تمامی طرفداران نظریه تهاجم-دفاع بر اینکه فن‌آوری، عامل یا متغیر اساسی در تحلیل تعادل بین تهاجم و دفاع است اتفاق نظر دارند (Glaser and Kaufman, 1998: 61-63). همچنین، از منظر حامیان این رویکرد، موازنه دفاع-تهاجم معمولاً به نفع کشور مدافع سنگینی می‌کند (Van Evera, 1999). امری که در نگاه آیت‌الله خامنه‌ای نیز باور به آن را می‌توان یافت، جایی که فرموده‌اند: «محققاً هرگونه حمله نظامی و تحرک نظامی وابسته به دشمن، به ضرر دشمن و به سود جمهوری اسلامی تمام می‌شود» (بیانات در دیدار جمعی از ناشران، اردیبهشت ۱۳۷۸). از این رو به نظر می‌رسد جمهوری اسلامی ایران بر اساس شرایط خاص، از کاربست این استراتژی نیز بهره می‌برد؛ مسئله‌ای که خود آمریکایی‌ها نیز در مواردی بر آن تأکید می‌کنند. برای نمونه، در گزارش ۲۰۱۴ پنتاگون آمده است: «استراتژی نظامی ایران، دفاعی است و بر اساس بازدارندگی و جلوگیری از حملات، دوام در برابر حملات اولیه، تلافی اقدامات و حملات متجاوزان و بکارگیری راه‌حل دیپلماتیک بدون دادن امتیازات عمده قرار گرفته است» (Capaccio, 2014).

بنابراین، به نظر می‌رسد نزدیک‌ترین نظریهٔ روابط بین‌الملل با تفکر راهبردی آیت‌الله خامنه‌ای، رئالیسم تدافعی است؛ که البته جنبهٔ اخلاقی و اسلامی تفکر رهبری، نسخهٔ ایشان را از روایت رایج در غرب متمایز کرده است.

د. واقع‌گرایی در تفکر راهبردی آیت‌الله خامنه‌ای

نظر به تأکید رئالیسم به عنوان مکتبی کلان در روابط بین‌الملل بر مادی‌گرایی و عینیات و عدم توجه به اخلاق، باید در نسبت آن با تفکر راهبردی آیت‌الله خامنه‌ای محتاط بود. برای نمونه، پس از تهدیدات مکرر نظامی اسرائیل و آمریکا علیه ایران در موضوع هسته‌ای، برخی از متفکران غربی معتقد بودند که ایران به دلیل واقع‌شدن در میان کشورهای هسته‌ای همچون هند، پاکستان، روسیه و رژیم اسرائیل، در مقام دفاع از خود و ایجاد موازنه باید تسلیحات هسته‌ای داشته باشد (Waltz, 2012). با وجود این، رهبر ایران با صدور فتوای مذهبی، صریحاً برخورداری و استفاده از هرگونه تسلیحات کشتار جمعی را حرام دانسته و اساساً اعتقادی به چنین موازنه‌ای ندارند. ایشان معتقدند «افزون بر سلاح هسته‌ای، دیگر انواع سلاح‌های کشتار جمعی، نظیر سلاح شیمیایی و سلاح میکروبی نیز تهدیدی جدی علیه بشریت تلقی می‌شوند. ملت ایران که خود قربانی کاربرد سلاح شیمیایی است، بیشتر از دیگر ملت‌ها خطر تولید و انباشت این‌گونه سلاح‌ها را حس می‌کند و آماده است همه امکانات خود را در مسیر مقابله با آن قرار دهد. ما کاربرد این سلاح‌ها را حرام و تلاش برای مصونیت بخشیدن ابناء بشر از این بلای بزرگ را وظیفه همگان می‌دانیم» (پیام آیت‌الله خامنه‌ای به نخستین کنفرانس بین‌المللی خلع سلاح هسته‌ای و عدم اشاعه، فروردین ۱۳۸۹).

دلیل این اختلاف میان تفکر راهبردی آیت‌الله خامنه‌ای و نظریه رئالیسم به این برمی‌گردد که ایشان در مقام یک مجتهد و فقیه، رویکردی قرآنی به موضوع جنگ و دفاع داشته و در کنار توجه به مسائل مادی (همچون منفعت و قدرت) به مسائل ارزشی و اخلاقیات نیز توجه ویژه‌ای دارند. به همین دلیل، برخی از اصول رئالیسم رایج در غرب، مانع از این شده که بتوان تمامیت منطقی و مفاهیم اندیشه‌های راهبری و دفاعی آیت‌الله خامنه‌ای را در این خصوص مورد بررسی و انطباق قرار داد؛ چرا که ایشان، رئالیسم تدافعی را عموماً بر مبنای ملاحظات اخلاقی

پیشه عمل و رفتار قرار می‌دهد. رئالیسم آیت‌الله خامنه‌ای می‌گوید در صورت ضعیف بودن، ظالمان برای تجاوز و بسط فعالیت‌های سلطه‌طلبانه خود از انگیزه بیشتری برخوردار خواهند شد؛ یعنی اگر چه صلح محور است، ولی جنگ هم برای دفاع از خود و ارزش‌ها لازم است. ایشان در این راستا فرموده‌اند: «یک ملت برای اینکه قله‌های کمال مادی و معنوی و قله‌های عزت و شرافت را فتح کند، به امنیت و به آسوده‌خیالی از تهاجم دشمنان احتیاج دارد. امنیت را چه چیز تأمین می‌کند؟ در دنیائی که انگیزه‌های قدرت‌طلبانه هست، ملت چگونه می‌تواند امنیت خود را به دست بیاورد و حفظ کند؟ این سهم نیروهای مسلح است» (بیانات در مراسم مشترک دانش‌آموختگی دانشگاه‌های افسری ارتش، آبان ۱۳۸۶).

بنابراین، نگرش کاملاً منفی و مثبت به قدرت نظامی، با انتقادهای جدی نزد آیت‌الله خامنه‌ای روبروست و ایشان در این زمینه از ارائه تصویری کلی و مطلق فاصله گرفته و به هر دو بعد مثبت و منفی قدرت توجه می‌کند. در این تلقی، نظامی‌گری ذاتاً نمی‌تواند مثبت یا منفی باشد. برای نمونه، ایشان معتقدند «هدف اصلی از تولید سلاح در جمهوری اسلامی ایران، هدفی دفاعی و مقابله با دشمنان زورگو است؛ در حالی که در غرب هدف اصلی تولید سلاح، تجارت و افزایش ثروت سردمداران کارخانجات و کمپانی‌های تسلیحاتی است» (بیانات در دیدار فرمانده کل قوا از نمایشگاه دستاوردهای جهادی علمی و اقتدار دفاعی نیروهای مسلح، تیر ۱۳۹۰). علاوه بر این، رئالیسم تدافعی نظریه‌ای جبرگراست که سیاست دفاعی را اسیر جبر ساختاری نظام بین‌الملل می‌داند، که این نیز با تفکر آیت‌الله خامنه‌ای همخوانی چندانی ندارد.

بحث دیگر در واقع‌گرایی آیت‌الله خامنه‌ای، امنیت نسبی جهان اسلام (امت اسلام) است و نه صرفاً قدرت نسبی جمهوری اسلامی ایران. با ارزیابی بیانات و مواضع ایشان از ۱۳۹۰ تاکنون چنین بر می‌آید که خیزش‌های جهان عرب با اثرگذاری آمریکا و متحدان آن از مسیر اصلی خود خارج شده و ظهور گروه‌های متعدد تروریستی در خاورمیانه سناریویی برای تضعیف و تجزیه همه کشورهای اسلامی است. بنابراین، بخشی از راهبرد دفاعی آیت‌الله خامنه‌ای اساساً بر مبنای ساماندهی همکاری جمعی کشورهای اسلامی و همچنین وحدت

جهان اسلام به عنوان مسأله‌ای استراتژیک استوار است (ستاد برگزاری کنفرانس جهانی اهل‌بیت، شهریور ۱۳۶۹)، که با اختلافات شدید کنونی، ناکارآمدی این جنبه از سیاست واقع‌گرایی را متوجه وابستگی حاکمان منطقه می‌دانند.

نتیجه‌گیری

سیاست‌گذاری و تصمیم‌گیری در حوزه راهبردی جمهوری اسلامی ایران، منوط به شناخت و تبیین اصلی‌ترین ضرورت‌های سیاست خارجی و امنیت ملی کشور از منظر آیت‌الله خامنه‌ای است. بر این اساس، در این مقاله اشاره شد که در چارچوب نظریه رئالیسم تدافعی، تفکر راهبردی آیت‌الله خامنه‌ای مبتنی بر امنیت نسبی است که عموماً تابعی از ویژگی‌های جغرافیایی و جایگاه ایران در نظام بین‌الملل آنارشیک، موازنه قوای منطقه‌ای و همچنین در رابطه با سایر تهدیداتی است که عمدتاً متوجه امنیت سرزمینی کشور است. این بدان معناست که الگوی رفتاری ستیزشی، رقابتی و همکاری‌جویانه در سیاست دفاعی ایران و همچنین تداوم و تغییر آن اساساً بر پایه این سه متغیر الگویی قابل تحلیل و تبیین است. از این‌رو، ساختار آنارشیک نظام بین‌الملل، نقش‌آفرینی بازیگران فرامنطقه‌ای و گسل‌های امنیتی خاورمیانه به عنوان سه عامل پایدار، باعث می‌شود تا ایران درصدد کسب توانمندی و قدرت نظامی به میزان مقتضی در راستای افزایش امنیت نسبی‌اش برآید. بنابراین، تاثیر ساختار ظریف قدرت، توانمندی‌های مادی دشمنان و تهدیدات بالقوه علیه کشور از طریق تصورات یا برداشت‌های ذهنی بر رفتار راهبردی آیت‌الله خامنه‌ای در عرصه بین‌المللی و منطقه‌ای مؤثر واقع می‌شود؛ که معمولاً بر مبنای قیاس‌های تاریخی و دیگر میانبرهای ادراکی، اطلاعات و تحولات را پردازش می‌کنند و تصمیم می‌گیرند.

از مجموع نظریه‌ها، دیدگاه‌ها و اندیشه‌های راهبردی فرمانده کل قوا در جمهوری اسلامی می‌توان چنین نتیجه گرفت که ایشان تمرکز خود را بر روی «دکترین کاهش احتمال وقوع جنگ» قرار داده‌اند و نه «کاهش احتمال شکست در جنگ»؛ که این استراتژی کاملاً بر اصول تدافعی استوار است و از آنجا که وی رویکردی اسلامی به مقوله نظامی‌گری دارند، نسبت به نظم و روابط بین‌الملل مطلوب نیز نگاهی هنجاری و اخلاقی در پیش گرفته‌اند که در سخنان

ایشان چنین نمود یافته است: «ارتش و نیروهای نظامی وابسته به جمهوری اسلامی، پایبند به تعهدات اسلامی‌اند؛ نه در پیروزی طغیان می‌کنند، نه در هنگام خطر دست به کارهای ممنوع و ابزارهای ممنوع می‌زنند. یک چنین تقیداتی در دنیا معمول نیست؛ اما نیروی مسلح متعبد به قوانین اسلامی، این اصول اخلاقی را رعایت می‌کند» (بیانات در دیدار جمعی از فرماندهان و کارکنان ارتش جمهوری اسلامی ایران، فروردین ۱۳۹۴). در مجموع، بر اساس دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای، ابزارهای اصلی راهبرد دفاعی ایران همواره بازدارنده بوده و هدفشان منصرف‌کردن دشمن را از حمله و دست‌درازی با تکیه بر قدرت ملی است. در چارچوب همین رویکرد و با پشتوانه مردمی، ایران با بودجه کم نظامی در قیاس با چند کشور منطقه، توانسته در منطقه پر تلاطم غرب آسیا ثبات و امنیت خود را حفظ کند.

منابع

- آیت‌الله خامنه‌ای، (۱۳۹۴)، «بیانات در دیدار فرماندهان و کارکنان نیروی دریایی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و خانواده‌های آنان»، ۱۵ مهرماه.
- آیت‌الله خامنه‌ای، (۱۳۹۵)، «بازدید فرمانده کل قوا از نمایشگاه صنعت دفاعی و دیدار با مسئولان و متخصصان وزارت دفاع»، ۱۰ شهریور ماه.
- آیت‌الله خامنه‌ای، (۱۳۹۰)، «بیانات در دیدار از نمایشگاه دستاوردهای جهادی علمی و اقتدار دفاعی نیروهای مسلح»، ۱ تیرماه.
- آیت‌الله خامنه‌ای، (۱۳۹۴)، «بیانات در دیدار جمعی از فرماندهان و کارکنان ارتش جمهوری اسلامی ایران»، ۳۰ فروردین ماه.
- آیت‌الله خامنه‌ای، (۱۳۸۷)، «بیانات در مراسم نظامی مشترک یگان‌های نیروهای مسلح استان فارس»، ۱۲ اردیبهشت ماه.
- آیت‌الله خامنه‌ای، (۱۳۹۴)، «بیانات در دیدار فرماندهان و کارکنان نیروی هوایی و پدافند هوایی ارتش»، ۱۹ بهمن ماه.
- آیت‌الله خامنه‌ای، (۱۳۸۹)، «پیام به نخستین کنفرانس بین‌المللی خلع سلاح هسته‌ای و عدم اشاعه»، ۲۸ فروردین ماه.
- آیت‌الله خامنه‌ای، (۱۳۷۵)، «بیانات در دیدار فرماندهان و جمعی از پرسنل نیروی هوایی ارتش»، ۱۸ بهمن ماه.
- آیت‌الله خامنه‌ای، (۱۳۸۶)، «بیانات در مراسم مشترک دانش‌آموختگی دانشگاه‌های افسری ارتش»، ۲ آبان ماه.
- آیت‌الله خامنه‌ای، (۱۳۶۹)، «بیانات در دیدار اعضای ستاد برگزاری کنفرانس جهانی اهل‌بیت»، شهریور ماه.
- آیت‌الله خامنه‌ای، (۱۳۹۵)، «بیانات در مراسم بیست و هفتمین سالگرد رحلت امام خمینی»، ۱۴ خرداد ماه.
- آیت‌الله خامنه‌ای، (۱۳۹۴)، «بیانات در دانشگاه افسری و تربیت پاسداری امام حسین»، ۳۰ اردیبهشت ماه.
- آیت‌الله خامنه‌ای، (۱۳۹۴)، «بیانات در دیدار جمعی از خانواده‌های شهدای مدافع حرم»، ۱۵ بهمن ماه.
- آیت‌الله خامنه‌ای، (۱۳۹۲)، «بیانات در دیدار فرماندهان و کارکنان نیروی هوایی ارتش»، ۱۹ بهمن ماه.
- آیت‌الله خامنه‌ای، (۱۳۸۴)، «بیانات در دیدار زائرین و مجاورین حرم مطهر رضوی»، ۱ فروردین ماه.
- آیت‌الله خامنه‌ای، (۱۳۹۴)، «بیانات در دیدار فرماندهان ارتش جمهوری اسلامی ایران»، ۹ مهرماه.
- آیت‌الله خامنه‌ای، (۱۳۹۱)، «بیانات در دیدار نیروهای مسلح استان خراسان شمالی»، ۲۱ مهرماه.
- آیت‌الله خامنه‌ای، (۱۳۹۴)، «بیانات در دیدار رئیس جمهوری چین با رهبر انقلاب»، ۱۳ بهمن ماه.
- آیت‌الله خامنه‌ای، (۱۳۹۴)، «بیانات در دانشگاه علوم دریایی امام خمینی نوشهر»، ۸ مهرماه.
- آیت‌الله خامنه‌ای، (۱۳۷۹)، «بیانات در دیدار اعضای شورای تأمین استان‌ها»، ۲۵ بهمن ماه.
- آیت‌الله خامنه‌ای، (۱۳۹۰)، «بیانات در دیدار از دانشگاه افسری امام علی»، ۱۹ آبان ماه.
- آیت‌الله خامنه‌ای، (۱۳۹۵)، «بیانات در دیدار با مداحان اهل‌بیت»، ۱۱ فروردین ماه.
- آیت‌الله خامنه‌ای، (۱۳۷۸)، «بیانات در دیدار جمعی از ناشران»، ۲۸ اردیبهشت ماه.
- آیت‌الله خامنه‌ای، (۱۳۹۰)، «بیانات در خطبه‌های نماز جمعه تهران»، ۱۴ بهمن ماه.

- آیت‌الله خامنه‌ای، (۱۳۷۵)، «بیانات در دیدار جمعی از پاسداران»، ۲۴ آذر ماه.
- آیت‌الله خامنه‌ای، (۱۳۸۰)، «بیانات در دیدار کارگزاران نظام»، ۲۷ اسفند ماه.
- آیت‌الله خامنه‌ای، (۱۳۹۲)، «بیانات در حرم مطهر رضوی»، ۱ فروردین ماه.
- آیت‌الله خامنه‌ای، (۱۳۹۴)، «بیانات در خطبه‌های نماز عید فطر»، ۲۷ تیرماه.
- آیت‌الله خامنه‌ای، (۱۳۸۵)، «بیانات در دیدار کارگران»، ۲۶ اردیبهشت ماه.
- برزگر، کیهان، (۱۳۸۸)، «سیاست خارجی ایران از منظر رئالیسم تدافعی و تهاجمی»، فصلنامه روابط خارجی، سال اول، شماره ۱، بهار.
- دهقانی فیروزآبادی، سیدجلال، (۱۳۹۱)، «نواقعی‌گرایی و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه سیاست خارجی، سال بیست و ششم، شماره ۱، بهار.
- Beinart, Peter, (2015), Is Iran Revolutionary? **The Atlantic**, April 13, 2015, <http://www.theatlantic.com/international/archive/2015/04/is-iran-revolutionary-foreign-policy/390357/>
- Capaccio, Tony, (2014), **Iran Speaks More Softly but Keeps Building Bigger Sticks**, Bloomberg, Aug 20, <http://www.bloomberg.com/news/2014-08-20/iran-speaks-more-softly-but-keeps-building-bigger-sticks.html>
- Costello, Ryan, (2017), "Could Trump Stumble Into an Iran War?" **Huffington Post**, January 20.
- Donnelly, Jack, (2000), **Realism and International Relations**, Cambridge University Press
- Fikenscher, Sven-Eric, (2015), Why Iran's Bellicose Foreign Policy Is Unlikely to Change, **National Interest**, October 1, <http://nationalinterest.org/feature/why-iran%E2%80%99s-bellicose-foreign-policy-unlikely-change-13976>
- Glaser, Charles and Chaim Kaufmann, (1998), "What is the Offense – Defense Balance and Can We Measure it?", **International Security**, Vol. 22, No. 4
- Heim, Jacob L. (2015), The Iranian Missile Threat to Air Bases A Distant Second to China's Conventional Deterrent, **Air and Space Power Journal**, July–August, pp. 39-40, <http://www.au.af.mil/au/afri/aspj/article.asp?id=288>
- Kuang Keng, Kuek Ser, (2016) "Where did Iran get its Military Arms over the Last 70 Years?" **PRI** Jun 1, <http://pri.org/stories/2016-06-01/where-did-iran-get-its-military-arms-over-last-70-years>
- Lynn-Jones, Sean M., (1995), "Offense-Defense Theory and Its Critics," **Security Studies**, Vol. 4, No. 4, Summer
- McInnis, Matthew J., (2015), "Iran's Strategic: Thinking Origins and Evolution", American Enterprise Institute, May
- Mearsheimer, John J. (2010), **The Tragedy of Great Power Politics**, New York: Norton.
- Milani, Mohsen M. (2015), Iranian Politics After the Deal, Why It Is Time for Optimism, Foreign Affairs, July 15, <https://www.foreignaffairs.com/articles/iran/2015-07-15/iranian-politics-after-deal>
- Opall-Rome, Barbara, (2016), NATO Accepts Israel, 4 Other Nations as Headquarter Liaisons, **Defense News**, May 5, <http://www.defensenews.com/story/defense-news/2016/05/04/nato-accepts-israel-4-other-nations-headquarter-liaisons/83942104/>
- Rezaei, Masoud, (2015), Why Iran Should have Missile Capability, **The Diplomat**, March 6, <http://thediplomat.com/2015/03/why-iran-should-have-missile-capability/>
- Snyder, Glenn, (1996), "Process Variables in Neorealist Theory," **Security Studies**, Vol. 5, No. 3 (Spring)
- Taliaferro, Jeffrey, (2000-2001), Security Seeking under Anarchy (Defensive Realism Revisited), **International Security**, Vol. 25, No. 3 (Winter)
- Treviño, Rusty, (2013), Is Iran an Offensives Realist or a Defensive Realist? A Theoretical Reflection on Iranian Motives for Creating Instability, **Journal of Strategic Security**, Volume 6 Number 5 Volume 6, No. 3, Fall.
- Van Evera, Stephen, (1999), **Causes of War: Power and the Roots of Conflict**, Ithaca NY: Cornell University Press.
- Walt, Stephen, (1987), **The Origins of Alliances** (Ithaca, N.Y.: Cornell University Press)
- Walt, Stephen, (1987), **The Origin and Prevention of Major Wars**, New York: (Cambridge University

Press)

Waltz, Kennet, (1989), **The Origins of War in Neorealist Theory**, in Robert I. Rotberg and Theodore K. Rabb, eds., *The Origin and Prevention of Major Wars*, New York: Cambridge University Press.

Waltz, Kenneth, (1979), **Theory of International Politics** (New York: McGraw Hill).

Waltz, Kenneth, (2012), "Why Iran Should Get the Bomb, Nuclear Balancing Would Mean Stability," **Foreign Affairs**, July/August, 2012, <https://www.foreignaffairs.com/articles/iran/2012-06-15/why-iran-should-get-bomb>

